



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 50, summer 2024

Weakness of educational methods in transmitting religious and revolutionary knowledge

Zahra Gohari¹

Dr. Saeid Bakshi²

Abstract

If education wants to instill the correct content in learners and regulate their lifestyle in accordance with rational and revealed teachings, it must be able to convey appropriate educational foundations and principles and the desired knowledge in the correct ways. Deficiencies in educational methods will lead to weakness in the transmission of educational content. Such as: strictness instead of love, failure to convince thoughts, insufficient encouragement and punishment, inappropriate modeling, lack of use of art, disregard for conversation skills, abandonment of enjoining what is good and forbidding what is evil. No matter how strong the foundations are, if they are not presented in a scientific and human-friendly way, they will have no effect on building, rebuilding, and correcting human education and training, and there will be a failure in the transmission of knowledge to the individual. If, after about forty-seven years since the Islamic Revolution of Iran, today's and yesterday's teenagers and young people are still lax in practicing religious and revolutionary concepts, and in some cases even resist, then undoubtedly one of the most important reasons for this is the incorrect methods of transmitting revolutionary and religious knowledge. Although a review of educational methods may not be able to repair the shortcomings of the previous generation, it will definitely be able to safely guide the future generation through the challenges ahead

Keywords: Artistic expression, enjoining what is right, forbidding what is wrong, role modeling, conversation skills

1. PhD in Quran and Hadith Sciences, Usuluddin University, Tehran (Responsible Author)

2. Assistant professor, faculty member of Allameh Tabatabai University

ضعف روش‌های تربیتی در انتقال معارف دینی و انقلابی

زهرا گوهری^۱

سعید بخشی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱

چکیده

اگر تعلیم و تربیت، بخواهد محتوای صحیح را به متعلم القا کرده و سبک زندگی آنها را مطابق آموزه‌های عقلانی و وحیانی تنظیم کند، باید بتواند مبانی و اصول تربیتی مناسب و معارف مورد نظر را به شیوه‌های صحیح انتقال دهد. نقایص شیوه‌های تربیتی موجب ضعف در انتقال محتوای تربیتی خواهند شد. مانند: سختگیری به جای محبت، عدم اقناع افکار، تشویق و تنبیه ناکافی، الگوسازی نامناسب، عدم استفاده از هنر، بی‌توجهی به مهارت‌های گفتگو، ترک امر به معروف و نهی از منکر. هرچقدر مبانی قوی باشند، اگر با روش علمی و مورد پسند انسان ارائه نشوند، هیچ تأثیری در ساخت، بازسازی و تصحیح تربیت و تعلیم انسان نداشته و در انتقال معارف به شخص، شکست ایجاد خواهد شد. اگر بعد از حدود چهل و هفت سال که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، هنوز نوجوانان و جوانان امروز و دیروز در عمل به مفاهیم دینی و انقلابی، کاهلی کرده و بلکه در بعضی موارد مقاومت به خرج می‌دهند، بی‌شک یکی از مهم‌ترین علل آن، روش‌های نادرست انتقال معارف انقلابی و دینی است. بازنگری روش‌های تربیتی، گرچه شاید نتواند نقایص وارده در نسل قبل را ترمیم کند، اما قطعاً خواهد توانست نسل آینده را از چالش‌های پیش رو به سلامت عبور دهد.

واژگان کلیدی:

شیوه بیان هنری، امر به معروف، نهی از منکر، الگوسازی، مهارت‌های گفتگو.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصول‌الدین تهران (نویسنده مسئول) (z.gohari313@gmail.com).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

مقدمه

امر آموزش و پرورش از چنان اهمیتی در ساحت ربوبی برخوردار است که در اولین آیات نازل شده بر قلب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله صحبت از آموزش مفاهیم به انسان است. تدبر در آیات آغازین سوره علق، نشان می‌دهد روح انسان که نشأت گرفته از نفخه الهی است به دنبال پاسخی برای نادانسته‌هاست. در این حال اولین معلم انسان، ذات اقدس اله است و همه رسولان الهی، تعلیم‌دهندگان مفاهیمی هستند که انسان نمی‌داند. به انسان نیز دستور داده شده که پاسخ مجهولات خود را از دانایان دریافت کنند (نحل: ۴۳).

مقوله تعلیم و تربیت، امری تأخیری نیست و انسان از زمانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، در حال یادگیری است. متولیان این امر، به خوبی می‌دانند که آموزش امور مختلف ارزشی، اجتماعی، علمی و غیره باید در زمان خود و مطابق با ظرفیت وجودی هر کس به او عرضه شود و تعلق در تعلیم مفاهیم از افراد کارآمد، موجب تعلم مفاهیم از افرادی است که متعهد و متخصص این امور نیستند.

تعریف مسئله

ایجاد هر ساختاری، بر سه پایه بنیان می‌گردد: بنیان، اصول و روش. توضیح آن که برای آموزش هر امر در هر ساحتی، باید مبانی آن موضوع روشن شده و اصول آموزش آن تبیین و سپس با روش‌هایی مناسب به متربی آموزش داده شود. انقلاب اسلامی ایران که خود را انقلابی فرهنگی می‌داند، از ابتدای پیدایش تاکنون همواره خواسته است فرهنگ دنیایی به ارث رسیده از طاغوت قبل از انقلاب را به فرهنگ اسلامی و قرآنی که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام پیاده شده، تبدیل سازد.

به منظور آن که نوجوانان در رویارویی با این فراز و نشیب‌ها، تعادل خود را از دست نداده و منفعل نشوند، لازم است تحلیل‌هایی به آنان ارائه شود تا بتوانند نسبت به اتفاقات اطرافشان، موضع صحیحی اتخاذ نمایند، در غیر این صورت، سرگردانی و بلاتکلیفی نوجوانان، منجر به اتخاذ رویه‌های نامناسب و احیاناً جذب شدن به جریان‌های سیاسی و اجتماعی ناسالم خواهد گردید (شرفی، ۱۳۷۶ش: ۳۷۳).

بیش از دو دهه است که رهبری معظم انقلاب دربارهٔ هجمه فرهنگی هشدار داده‌اند. لکن خطر این هجمه که پیامدهای آن دامن نوجوانان و جوانان را گرفته است، هیچ‌گاه جدی

گرفته نشد. اکنون که فتنه ۱۴۰۱ مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که در فتنه‌های قبل آن در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۸۸، ۱۳۷۸ آنچه بیش از همه خود را نشان داد، چالش‌های فرهنگی نسل جوان با ایده‌آل‌های انقلاب اسلامی بود. به نظر می‌آید در بین تعداد عمده‌ای از جوانان، گرایش‌های مذهبی، آداب و اخلاق اسلامی، هنجارها و ارزش‌های دینی و قرآنی متزلزل شده است.

سؤال اصلی این جاست که در هر پایه از ساختار آموزش فرهنگ اسلامی و قرآنی، چه نقیصه‌ای صورت گرفته که نتوانسته این آداب و هنجار و عقیده و ارزش را در بین جوانان نهادینه کند؟ انقلاب اسلامی، انقلابی مبتنی بر عقاید اسلامی است که هدفش، هدایت و رشد استعداد‌های انسان برابر با رضایت پروردگار است. بر این مبنا اصول و معیارهایی حاوی اولویت‌ها و باید‌ها و نبایدها را تبیین کرده و برای عملیاتی کردن اصول و مبانی، روش‌هایی در نظر گرفته و انجام داده است. قطعاً در هر یک از این سه مرحله، کوتاهی‌هایی شده که نتیجه آن بعد از چهل سال تعلیم و تربیت، وجود نسلی با این همه چالش با اهداف اسلامی است که در انتخاب صحیح بین حق و باطل در فتنه ۱۴۰۰، این حجم وادادگی از نسل جوان مشاهده می‌شود.

گروه‌های علمی مختلفی از دانشمندان باید به این امر بپردازند که آیا در ارائه محتوای آموزشی مناسب هر رده سنی خللی بوده و یا اصول و روش‌های علمی و مؤثر به کار گرفته نشده و یا همه این مراحل دچار نقص در طرح و اندیشه بوده‌اند؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

اهمیت این پژوهش از آن نظر است که دانستن و ندانستن رموز تربیتی، با عاقبت انسان سر و کار دارد و انسان مورد نظر اسلام که جانشین خداوند است، در صورتی می‌تواند در آخرت در جوار رحمت الهی باشد که انتخاب‌های صحیح در زندگی داشته و با عزم جزم متعهد به این انتخاب‌ها باشد. برای این انسان چه محتوایی با چه کیفیتی باید ارائه شود تا در پایان عمر، گرفتار خسران نگردد؟ اکنون پس از چهار دهه از انقلاب ایران، به نظر می‌آید با وجود آموزش مفاهیم دینی، معارف انقلابی و ارزشی نوعی جهالت در نسل جدید مشاهده می‌شود که با بصیرت همسالان خود در زمان انقلاب قابل مقایسه نیست. معروف است که نوجوانان و جوانان این عصر، با آموزش دیجیتال پهنه دانسته‌های شان اقیانوسی به عمق یک بند

انگشت است و آسیب این دانسته‌های اندک پراکنده، آن‌جا خود را نشان می‌دهد که در امر خطیر انتخاب در زندگی در هر مقوله‌ای به راحتی دچار اشتباه می‌شوند.

ویژگی این تحقیق آن است که نگارنده بدون وابستگی به جریانی خاص، نقایص روشی را هم از جنبه علمی هم مذهبی و هم با توجه به روش ارائه مریبان مورد نقد قرار داده است. نویسنده در فضایی حقیقی و نه انتزاعی از نزدیک با روش‌ها و اصول مبتنی بر مبانی عقیدتی در مراکز آموزش مختلف برخورد داشته و این رویارویی نزدیک کمک کرده است که نقص هر پایه در ساختار آموزش را به خوبی مورد دقت قرار دهد.

این پژوهش با عنوان «ضعف روش‌های تربیتی در انتقال معارف به نوجوانان و جوانان» با رویکرد تحلیلی و روش کتابخانه‌ای درصدد تبیین نقایص روش‌های مؤثر در انتقال مفاهیم به طور اعم و بالاخص از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در جستجوی مقالاتی که به نقایص تعلیم و تربیت پرداخته باشند، تحقیقات جامع مشاهده نشد. اکثر تحقیقات به مطالعه موردی و در محدوده خاص بسنده کرده‌اند. در عین حال گزارشی از نزدیک‌ترین تحقیقات ارائه می‌شود:

۱. پایان‌نامه «قرآن و سبک زندگی در ابعاد فردی و اجتماعی» نوشته خانم فاطمه رضازاده در مقطع کارشناسی ارشد و به راهنمایی خانم اشرف میکائیلی و مشاوره آقای احمد شجاعی در دانشگاه محقق اردبیلی از تحقیقاتی است که به موضوع پژوهش نقص مبانی و روشی، بسیار نزدیک است. این تحقیق به آرامشی که در نتیجه داشتن سبک زندگی الهی ایجاد می‌شود، اشاره داشته و وجه افتراق از سبک زندگی غیر الهی را ددر فسق و فجور جوامع به ظاهر مدرن می‌داند. لکن، فقط به یک مورد از این نقایص تعلیم و تربیتی اشاره کرده است.

۲. پایان‌نامه «مبانی و اصول اسلامی اخلاق رسانه» در مقطع کارشناسی توسط خانم آفرین قائمی و به راهنمایی آقای محمدعلی شمالی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) نوشته شده است. این تحقیق به اثر رسانه در القای فرهنگ و معارف و اخلاق، در قالب خبر و فیلم و سریال و با بهره‌وری از فنون جدید در آموزش مخاطبین می‌پردازد. نویسنده به تأثیرگیری رسانه از مبانی لیبرالیسم پرداخته و تأثیر لیبرالیسم هنری در سکولاریزه شدن جامعه هدف را بررسی می‌کند.

۳. آقای خسرو باقری در کتاب *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* که توسط انتشارات مدرسه

منتشر شده است به اصول و روش‌های تربیت اسلامی در ذیل ۱۴ اصل می‌پردازد. مرتبط‌ترین تحقیق با موضوع مقاله حاضر در کتاب حاضر بیان شده که البته در بیان نقص تربیتی مبانی و روشی به طور مستقیم نیست و خواننده باید با مقایسه روش‌های جاری و آن چه در کتاب بیان شده، به نتیجه مدنظر دست یابد.

۴. کتاب *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت* نوشته آقای محمد داوودی و سیدعلی حسین زاده به آداب و روش‌های زمینه‌ساز تربیت با توجه به سیره اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته است. کتاب با وجود برخورداری از غنای مطالب سیره اهل بیت علیهم‌السلام، عاری از تبیین نقایص تربیتی موجود در فضاهای تربیتی است.

در بسیاری از کتاب‌ها و پژوهش‌های موجود نیز این مطلب نمایان است که محققین، جنبه اثباتی در امر تعلیم و تربیت را بیان کرده و به نقایص روشی در فضاهای تربیتی و آموزشی پرداخته اند. وجه تمییز تحقیق حاضر با سایر مطالعات این است که به طور موجز، سعی داشته عوامل مهم و مؤثر در نقص تربیتی را مورد توجه قرار دهد.

نقایص شیوه‌های تعلیم و تربیت

بهترین مبانی اگر مجهز به شیوه‌های مناسب نباشند، شکست خواهند خورد. طبیعی است که نظام تربیتی اسلام که هدفش تربیت انسانی شایسته خلافت الهی است، شیوه‌هایی مؤثر در روح و قلب انسان پیشنهاد کند تا عمل صحیح و مطابق با احکام الهی از انسان سر بزنند.

۱. عدم اقناع افکار و رضایت درونی

از مهم‌ترین راه‌های انتقال معارف، اقناع تفکر شخص است. پاسخ به شبهات به سه طریق صورت می‌گیرد. سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید:

ای رسول ما، خلق را با حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خداوند دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل، مناظره کن.

حکمت به معنای اصابت حق و رسیدن به آن به وسیله علم و عقل است. موعظه به معنای یادآوری کارهای نیک به گونه‌ای است که قلب رقت پیدا کند و تسلیم گردد و جدال در معنای کلی یعنی سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جویی. در این آیه هم موعظه و هم جدال مقید به قید «حسن» هستند. چرا که گاهی موعظه‌کننده، خودش به حق عمل نمی‌کند، ولو به زبان دعوت به حق دارد. همچنین دعوت به حق به وسیله مجادله نیز گاهی احسن نیست. یعنی

دشمن را به عناد و لجبازی وامی‌دارد. مجادله‌ای احسن است که شخص از هر گونه بی‌عفتی در کلام خودداری کرده و به خصم خود و مقدسات او توهین ننماید. در غیر این صورت شاید توانسته باشد حقی را احیا کند، اما حقوقی دیگر را از بین برده است. لذا قرآن این سه را آورده و تشخیص آن بسته به مورد آن، به عهده کسی است که قصد دفاع از حق را دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳ش: ج ۲۴، ۳۱۱).

این روش به پیامبران پیشین نیز توصیه شده است. استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام با ستاره پرستان، ماه پرستان و خورشید پرستان و ماجرای بت شکنی حضرت ابراهیم علیه السلام نیز استفاده از حکمت و موعظه روشن می‌شود. استدلال حضرت در مقصر دانستن بت بزرگ و ارجاع مردم برای سؤال از او، بت پرستان را به فطرت الهی بازمی‌گرداند و آنها متوجه می‌شوند پرستش سنگ و چوبی که خود ساخته‌اند و توقع صحبت با آنها انتظاری بی‌جاست.

بنابراین دعوت به دینداری باید بر پایه تحقیق باشد. برخی بدون تحقیق تابعند و برخی بدون تشخیص متبوع و قرآن کریم هر دو دسته را مذمت کرده است. خواه تابع، خواه متبوع، جدالش، جدال جاهلانه است. یعنی وقتی پذیرش عقیده و تطبیق عملی آن مطابق وحی و عقل نباشد، تقلید کور خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش: ۸۰).
جای این شیوه به خصوص در مراکز علمی ما خالی است و شبهه‌هایی که در مورد عقاید و احکام اسلامی مطرح می‌شوند، در بسیاری موارد بی‌پاسخ می‌مانند.

۲. سختگیری به جای محبت

محبت از شیوه‌های بسیار مؤثر در انتقال معارف و علوم است. انسان الهی باید نسبت به گنهکاران دغدغه هدایت داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چنان نسبت به عدم هدایت بعضی افراد متأثر می‌شد که مورد ندای الهی قرار گرفت. سوره شعرا آیه ۳ می‌فرماید:
ای رسول تو چنان در اندیشه هدایت خلق هستی که می‌خواهی جانان را در غم کسانی که ایمان نمی‌آورند، هلاک کنی.

محبت لسانی را خداوند در آیات مختلف بیان کرده است. انسان مؤمن هم باید حرف خوب بزند و هم خوب حرف بزند. سوره بقره آیه ۸۳ می‌فرماید:
با مردم با زبان خوش تکلم کنید.

این روش سخن‌گویی را خداوند به حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با فرعون هم مورد تأکید

قرار می‌دهد. سوره طه آیه ۴۴ می‌فرماید:

با او با کمال آرامی و نرمی سخن بگو که متذکر شود یا از خدا بترسد.

اما بررسی اوضاع کنونی جهان معاصر نشان می‌دهد که سهم مهم بودجه جهان، صرف فساد، افساد، تخریب، تهدید و کشتار می‌شود، مقدار متوسطی برای نیازهای لازم و بخش ناچیزی هزینه اصلاح و پژوهش می‌گردد. ما بیش از چیز و پیش از هر تلاشی، نیازمند رأفت و رحمت در کانون خانواده هستیم که نه در بازار و نه مهدکودک و نه در حوزه و دانشگاه پیدا می‌شود. بلکه همانند شیر مادر چشیدنی است. خداوند در سوره آل عمران آیه ۳۱ می‌فرماید:

﴿قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله﴾

بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد.

پیامبر ﷺ فرمود:

حلقه و رابط محبتی بین خدا و بنده معرفی شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ ش: ۱۸۰).

محبت عملی مانند رسیدگی به ارحام، مستضعفان، محرومین و مستمندان، محبت بین همسران و موارد دیگر هم به طور وسیع تبیین شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

انسان بنده محبت و احسان است (آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۲۸۵).

این علاقه و دوستی، زمینه را برای تأثیرپذیری از احسان‌کننده آماده می‌کند، زیرا قلب انسان به هرچه علاقه مند باشد، سایر اعضا و جوارح او نیز به آن علاقه مند می‌شوند و علاقه نیز پذیرش و پیروی را در بردارد (داودی، ۱۳۸۹ ش: ۲۴۲).

بخش اعظم تحقیقات مربوط به اثر بخشی معلم، بر ارتباط میان رفتار معلم و موفقیت دانش‌آموزان تأکید دارد. مطالعات حاکی از آن است که فرآیندهای آموزشی و مدیریتی کلید اثربخشی هستند، اما بسیاری از پاسخ‌ها در مصاحبه‌ها و نظرسنجی‌ها، تأکید دارند که ویژگی‌های عاطفی معلم یا رفتارهای احساسی و اجتماعی او، بیش از روش تعلیم و تربیت وی اهمیت دارند. همدلی، گوش کردن، درک و احترام، انصاف معلم، در ایجاد رابطه مؤثر با دانش‌آموز و ارتقاء کیفیت آموزش بسیار مؤثر هستند (حائری زاده، ۱۳۹۰ ش: ۲۶-۲۹).

یکی از مواردی که به انتقال معارف آسیب می‌زند، داشتن رفتار خشونت‌آمیز و عدم توجه به کرامت انسان است. در حقیقت این شیوه تفرغی است که برای فهم و درک انسان‌ها ارزش

قائل نبوده و فقط بخواهد مردم را وادار به عمل کند. سوره زخرف آیه ۵۴ می فرماید:
 فرعون، قوم خود را خوار و ذلیل کرد، پس آنها مطیع اوامر او شدند.

تندخویی نمی تواند افکار فرد را اقناع کرده و او را از شبهات نجات دهد. بلکه داشتن سؤالات فراوان باعث می شود در اولین فرصتی که فرد بتواند، خود را از آن معرفت دینی و مهارت برهاند. آرامش روحی به همراه اعطای حس کرامت در انتقال معرفت و اجرای مهارت آن بسیار مؤثر است.

لکن در بسیاری از مراکز آموزشی و کارمندی، این شیوه به کار گرفته نشد. لذا افراد، قبل از آن که از فرد مؤمن زیبایی محبت را درک کنند، خشونت او در اجرای قانون را دیدند که موجب فراری دادن آنها شد.

۳. ترغیب و ترهیب ناکافی

انسان طبیعتاً از تحسین لذت می برد و بر اثر آن دست از رفتار ناروا برداشته و به سوی کارهای خوب ترغیب می شود. اگر تحسین و تشویق در حضور جمع باشد اثر مثبت تری را دارا خواهد بود و مرتبی به خاطر ملاحظات جمع، دست از انحرافات خود برخواهد داشت. التزامات این روش مانند منطقی بودن تحسین و تشویق، زمینه سازی، قدرشناسی و حدود و موقع اجرا در اثربخشی آن بسیار مؤثر هستند. ترهیب هم می تواند انواع مختلفی را دربر بگیرد. تذکر و اخطار، ملامت و محرومیت، مقابله منفی و تنبیه مراتب گوناگون ترهیب محسوب می شوند (قائمی، بی تا: ۲۸۲-۳۱۹).

قرآن کریم بعضی از اجرای حدود را در حضور افراد دیگر مطرح می کند تا ساحت جامعه از آن گناه پاک بماند. مانند سوره نور آیه ۲ مجازات فرد زناکار در حضور مردم و بدون هیچ مماشاتی صورت می گیرد تا مانع ارتکاب این گناه در سایر افراد جامعه باشد. در نامه ۵۳ نهج البلاغه که راهکارهای امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر است، مجازات های سختی برای مفسدین اقتصادی در نظر گرفته شده است. در حدود چهل سال بعد از انقلاب، با بسیاری از مفسدین اقتصادی، اجتماعی برخورد سختگیرانه مناسب صورت نگرفت و این هم به دلیل نفوذ دشمنان در ساختار قوه قضائیه بود. عدم برخورد با این افراد و مماشات با آنها، تأثیر خلاف خود را در بینش نسل جوان نشان داد.

در نظام آموزش و پرورش نیز این نقص مشاهده می شود. دانش آموز سوم دبستان دختر که

روزه می‌گیرد و حجاب را رعایت می‌کند، در مدارس مورد تشویق قرار نمی‌گیرد. او هم‌چنان در کنار دانش‌آموزانی می‌نشیند که روزه خواری کرده و حجاب ندارند و چه بسا به دلایلی ولو موجه، آنها مورد تشویق قرار می‌گیرند و این مطلب ضد تربیت الهی برای او خواهد شد.

۴. الگوسازی و چهره‌پردازی‌های نامناسب

یکی از راه‌های مهم انتقال معارف، معرفی الگوهایی قابل پیروی، صحیح و منطبق با معیارهای قرآنی است. در سوره احزاب آیه ۲۱ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان اسوه مردم تعریف شده‌اند. به حسب این که پیروی از چه کسی باشد ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید. در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد و موقعیت اجتماعی او را دگرگون کرده تا او به پیروی بپردازد. ویژگی این روش این است که فرد در برخورد با اسوه، باید با بصیرت و انتخابگری به مواجهه بپردازد (باقری، ۱۳۹۵: ۱۴۶-۱۴۴).

در هر جامعه‌ای بعضی از افراد یک نوع برجستگی دارند و قهراً یک برجستگی خاصی پیدا می‌کنند. قهرمان سیاسی، قهرمان علمی، قهرمان ورزشی. این افراد به دلیل این که بزرگ هستند، دیگران از آنها تقلید می‌کنند. این یک مطلبی است که به تعبیر حکمای اسلامی، واهمه انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این هم از اموری است که قرآن برای خطاها، لغزش‌ها، اندیشه‌های باطل و بی‌ریشه معرفی می‌کند (مطهری، ۱۴۰۰: ۷۸).

معرفی چهره‌های شاخص در زمینه‌های مختلف اثر تربیت فوق‌العاده‌ای دارد. لکن این چهره‌ها خود باید، از جنبه نظر، به مسائل مختلف سعادت بشری آگاه و از جنبه عمل، به آن قوانین ملتزم باشند.

در این زمینه، حضرات معصومین الگوی کاملی در جهت تعلیم و تربیت محسوب می‌شوند. لکن سیره آنها در موارد مختلف در اختیار مردم قرار نگرفته است. به عنوان مثال، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دارای نقش‌های متعدد در زمینه‌های مختلف می‌باشند: به عنوان یک مسلمان، دختر، همسر، مادر، مدیر خانه. او زنی است متعالی و دارای الگوی عظمت رهبری که در سایه ادای نقش‌هایش به انجام بزرگ‌ترین رسالت‌های انسانی و اجتماعی پرداخته است. او مسلمانی است که از یک سو سرگرم عبادات و وظایف تکلیفی است و از سوی دیگر سرگرم انجام وظیفه خانوادگی و از طرفی وظایف اجتماعی. زنی با هدف و اصیل است که هرگز رنگ محیط

را به خود نگرفت و با ناحق نساخت (قائمی، ۱۳۷۵ش: ۵۴-۶۷).

متأسفانه به خصوص در سال‌های اخیر، به افرادی در رسانه‌ها تحت عنوان «سلبریتی» پرداخته شد که نه از جنبه نظر، افرادی فرهیخته بودند و نه از جنبه عمل، اما الگوی قشر نوجوان قرار گرفتند. نتیجه این انتخاب نامناسب، در فتنه ۱۴۰۱ خود را نشان داد که این افراد به عنوان سران فتنه، چه بسیار جوانانی را که به دنبال خود به آتش فتنه وارد کردند.

۵. استفاده نکردن از جنبه‌های مختلف هنری

ناگفته پیداست که هنر در انتقال معارف جایگاه بسیار مهمی دارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

هنر یک شیوه بیان است. منتها این شیوه بیان از هر تبیین دیگری رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است. ای بسا که یک گزارش غیر هنری، گرچه علمی و تحقیقی و دقیق، خاصیت ارائه هنری را نداشته باشد (مقام معظم رهبری، گفتگو با اعضای سومین کنگره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور؛ جهاد دانشگاهی ۱۳۶۵/۹/۲۷).

همچنین در مورد قالب‌های مختلف هنری، می‌فرمایند:

شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیام‌های نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا هر سوی خطه وسیع دل‌ها و جان‌های انسانی است (مقام معظم رهبری، نخستین کنگره دانشجویی شعر و ادب، ۱۳۶۳/۹/۲۷).

هنر در انواع مختلف، از نظر رساندن پیام، به طرز بلیغی عمل می‌کند. قالب‌های ادبی و شعری، قطعات نمایشی، هنرهای تجسمی و نقاشی و غیره. عمیق‌ترین پیام‌های اخلاقی، پاسخ به شبهات اعتقادی را به آسانی می‌توان با این روش در اختیار نسل جوان و مردم قرار داد. متأسفانه از این روش، به عنوان آموزش ضد ارزش‌ها استفاده شد. بی‌پند و باری‌ها، اختلاط نامحرم، ارزش‌های غیراخلاقی، پایه‌های سست ازدواج، پیامدهای بد فرزندآوری و غیره با ابزار هنر در اختیار مخاطبین قرار گرفت.

۶. آموزش ندادن مهارت‌های گفتگو

گفتگو، راهی بسیار روشن و آسان برای ارتباط با طرف مقابل است. دانستن رموز آن می‌تواند موانع فکری را از سر راه انسان‌ها برداشته و با تکیه بر اشتراکات، پیام انسان را به فرد مقابل برساند. در گفتگو، فقط گوینده مهم نیست، بلکه باید با توجه به شنونده، زمینه را برای درک متقابل فراهم کرد. نمونه‌هایی از این گفتگو در قرآن در سوره آل عمران آیه ۶۴ است که

می فرماید:

ای اهل کتاب بیائید به سمت کلمه‌ای که بین ما و شما مشترک است که به غیر از خدا نپرستیم.

همچنین در سورهٔ انعام آیهٔ ۱۰۸ می فرماید:

و شما مؤمنان به آنچه مشرکان غیر از خدا می خوانند دشنام ندهید تا آنها هم از روی دشمنی به خدا دشنام ندهند.

دربارهٔ گفتگو در قرآن کریم بر روی دو اصل تکیه شده است: اول آن که محتوای گفتگو باید نیکو باشد، دوم آن که محتوای گفتگو به طرز نیکو ادا شود. مقام معظم رهبری در شرح حدیثی اخلاقی از امام سجاد علیه السلام دربارهٔ آثار سخن نیکو، بیان می کنند که سخن نیکو، مال دنیا را برای انسان زیاد و رزق انسان را زیاد کرده و اجل انسان را به تأخیر انداخته و انسان را در میان اهل و خانوادهٔ خود محبوب می کند. سپس ایشان در توضیح قول حسن می فرمایند، سخنی که با موازین شرع منطبق است. مانند اسم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و قیامت و دنیا و زندگی دینی و سعادت‌مندان و ضمناً با روی خوش بیان شود. قول حسن طبعاً لازمه اش این است که با روی خوش و با زبان خوش ادا بشود (مقام معظم رهبری، شرح حدیث امام سجاد علیه السلام، ۱۳۹۴/۲/۸).

اشتراکات افکار و دوری از اهانت، دو راه کار بسیار مهم در جذب مخاطب هستند که در گفتگو باید مورد تأکید قرار گیرد. راه گفتگوی مناسب بین مربی و متربی در بسیاری از مراکز، بسته است. مربیان یا از نظر علمی مسلط نیستند یا از نظر روشی، آداب گفتگو را نمی دانند که در هر دو صورت، رابطهٔ صحیح برای انتقال معارف ایجاد نمی شود. از طرف دیگر، مخاطبین و متریبان نیز آداب گفتگو را فرا نگرفته اند تا بتوانند از نتیجهٔ آن بهره مند شوند. به این ترتیب شبهات ذهنی متربی پاسخ داده نمی شود و مبانی صحیحی که بتواند متربی را اقناع کند نیز در اختیار او قرار نمی گیرد.

۷. ترک امر به معروف و نهی از منکر

یکی از شیوه‌هایی که می تواند در انتقال معارف مؤثر باشد، امر به معروف و نهی از منکر است. مطابق با سورهٔ توبه آیهٔ ۷۹ از نشانه‌های زنان و مردان مؤمن، علاوه بر اقامهٔ نماز و ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمهٔ ایمان حقیقی، داشتن رابطهٔ دوستی با یکدیگر و دغدغه نسبت به سرنوشت آنهاست و لازمهٔ علاقه به یکدیگر، ارشاد هم به خوبی‌ها و انتقاد از

بدی‌ها و زشتی‌هاست. امر به معروف و نهی از منکر یعنی در برابر دیگران احساس مسئولیت کردن (شریفی، ۱۴۰۲ش: ۱۳۱).

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

به درستی که امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است. وظیفه واجب است که به وسیله آن سایر واجبات برپا می‌شوند، راه‌ها امنیت پیدا می‌کنند و درآمدها حلال می‌شوند و مظالم (حقوقی که به ظلم گرفته شده‌اند) بازگردانده می‌شوند و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها روبه راه می‌گردد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۶، ۱۱۹، ح ۶).

در این شیوه فرد و جامعه، خود را نسبت به اعمال افراد دیگر مسئول دانسته و موضع بی تفاوت نخواهد گرفت. این شیوه، می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم و همچنین قلبی، زبانی و عملی اجرا شود. شیوه عملی آن در حیطه اختیارات حکومت است که با عوامل اجرایی و قضایی، وارد شده و به صورت قانونی با فرد خاطی برخورد می‌گردد.

اگر جامعه‌ای مبتلا به بیماری ترک معروف و انجام منکر شود، از مسیر سعادت و پیشرفت خود دور می‌افتد. با عمل به این اصل جامعه پیشرفت می‌کند و با ترک این واجب الهی، انحطاط و پستی جامعه پیش خواهد آمد. ترک آن نشانه ضعف نفس و به تدریج مایه ضعف اراده و عمل می‌گردد. لازم به ذکر است که امر و نهی با ارشاد، تعلیم، تنبیه و تذکر فرق دارد. امر به نیکی و نهی از زشتی، از سنخ فرمان و حاکمیت است نه از مقوله موعظه و پند و تعلیم (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش: ۳۷۷).

هرچه در سال‌های اولیه انقلاب، توسط افرادی با اهداف خاص، این روش با خشونت اجرا شد، به همان اندازه در سال‌های اخیر نسبت به آن بی‌توجهی شد که هر دو بازخوردهای منفی خود را نشان داده است.

نتیجه‌گیری

در انتقال فرهنگ و معارف به انسان، اگر مبانی به دقت چیده شده و روش‌های مؤثر به کار گرفته شوند، محتوای معرفتی به جان انسان خواهد نشست. در این صورت با مرور زمان، این معارف نهادینه شده و خود شاخ و برگ تعالیم دیگری را در وجود انسان بارور می‌سازد. این که بعد از انقلاب، دشمنان هر ده سال توانسته‌اند از جهالت برخی جوانان استفاده کرده و فتنه‌ای بی‌فروزند، نشانه آفات تعلیم و تربیت اجرا شده در سال‌های گذشته است. برای رفع این آفات،

راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

- تهیه فیلم‌های هنری مستند در زمینه روشنگری‌های تاریخی انقلاب و مفاهیم دینی؛
- برگزاری کلاس‌های آزاد رفع شبهات و آموزش اخلاق در دوره‌های اول و دوم دبیرستان و دانشگاه‌ها؛

- برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و دانشجویی برای آشنایی با جانبازان جنگ تحمیلی؛
- ساختن فیلم و سریال جذاب و شاد با محتوای معرفتی با رعایت نکات شرعی و آموزه‌های دینی؛

- ایجاد مهد کودک‌های فعال و مبتنی بر آموزه‌های تربیتی؛

- مطرح کردن دانشمندان جوان ایرانی به عنوان الگوهایی دست‌یافتنی؛

- استفاده از دبیران بانشاط، متعهد و متخصص در زمینه‌های دینی و علوم قرآنی در مدارس؛

- آموزش قرآن و مفاهیم آن به صورت جذاب در تمام مقاطع تحصیل.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *غررالحکم و دررالكلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. باقری، خسرو (۱۳۹۵ش)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش)، *سیره پیامبران*، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش)، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ش)، *زن در آیین جلال و جمال*، تحقیق و تنظیم: محمود لطیفی، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱ش)، *جامعه در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. حائری زاده، خیریه بیگم؛ محمدحسین، لیلی (۱۳۹۰ش)، *ویژگی‌های معلم مؤثر*، تهران: نشر قطره، ششم.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت:

مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.

۹. داودی، محمد؛ حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۹ش)، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶ش)، *دنیای نوجوان*، تهران: انتشارات تربیت، چهارم.

۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳ش)، *تفسیر المیزان*، تهران: کانون انتشارات محمدی.

۱۲. قائمی، علی (۱۳۷۵ش)، *فاطمه علیها السلام برترین بانوی اسلام*، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.

۱۳. قائمی، علی (بی تا)، *تربیت و بازسازی کودکان*، تهران: انتشارات امیری.

۱۴. هاشمی گلپایگانی، سید محمد صالح (۱۴۰۰ش)، *آزادی بندگی هدف زندگی*، تهران: نشر بینش مطهر.

۱۵. هاشمی گلپایگانی، سید محمد صالح (۱۴۰۰ش)، *خدا در زندگی انسان*، تهران: نشر بینش مطهر.

۱۶. سایت مقام معظم رهبری، Khamenei.ir

